بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خارج فقه جلسه89..1/11/1399

مساله چهارم در باب مطهریت خورشید : سنگریزه ها و خاک و گِل و سنگ ها و امثال اشیایی که روی زمین هستند مادامی که بر روی زمین هستند حکم این اشیاء حکم زمین است یعنی اگر نجس شود با تابش خورشید پاک می شود چون عنوان سطح یا مکان یا موضع بر این اشیاء صدق می کند و این اشیاء جزیی از زمین هستند

اگر این اشیاء از زمین برداشته شود مثلا چند تا سنگ را برای بازی بچه ها برداشته شود اگر نجس شود حکم منقول را دارد که با تابش خورشید پاک نمی شود چون این عناوین مکان و موضع و سطح در روایات شامل آن نمی شود حال اگر همین سنگها که برداشته شده برگردد دوباره حکم زمین را پیدا می کند چون ملاک در طهارت بوسیله خورشید صدق عناوین فوق است از این بیان روشن شد که اگر این چند سنگ مثلا که از زمین برداشته شد نجس شود و دوباره به زمین ملحق شود با تابش خورشید پاک می شود چون متصل به زمین شد و حکم زمین را پیدا می کند

اما میخ هایی که در زمین یا ساختمان ثابت اند یا مثلا تابلوهای علائم که نصب می شود اگر نجس شود با تابش خورشید پاک می شود اگر چه اینها در حکم منقولات است اما به اعتبار اینکه ثابت بر زمین است در حکم زمین است و به اعتبار اینکه ثابت در ساختمان است در حکم غیرمنقول است چون قبلا بیان شد عموم خبر حضرمی که فرمود کل ما اشرقت علیه الشمس انصراف به ثابتات دارد و شامل غیر منقول می شود ، کلمه کل گرچه عام است هم منقول و هم غیر منقول را شامل می شود اما بیان شد که انصراف به غیر منقول دارد لذا ثابتات را شامل می شود چون ثابت با غیر منقول تناسب دارد و اطلاق غیر منقول بر ثابتات صحیح است

نعم اگر این میله را در اورند و گوشه ای انداخته شود و نجس شود با تابش خورشید پاک نمی شود و اگر دوباره بر زمین یا ساختمان ثابت شود به حکم غیر منقول بر می گردد مثل این ظرفهای بزرگی که روی زمین نصب شده است یا مثل درختان که منصوب بر زمین اند حتی گیاهان که در زمین ثابتند

مساله پنجم : یکی از شرایط مطهریت شمس زوال عین نجاست بود ، سه دلیل اقامه شد

دلیل اول : اجماع منقولی است که مرحوم نراقی در مستند و صاحب مدارک و لوامع و در مستمسک(و کفی بالاجمال دلیلا ) نقل فرمودند

دلیل دوم : در باب مطهرات به توسط اب پاک بیان شد زمانی اب پاک کننده است که زوال عین نجاست بشود پس به طریق اولیٰ درمطهریت خورشید باید زوال عین نجاست را شرط دانست چون مطهریت خورشید بدل از اب است اصل بر مطهریت اب است وقتی در مطهریت اب زوال عین شرط است در مطهریت خورشید یه طریق اولیٰ شرط است

دلیل سوم : وجود عین نجاست مانع از طهارت متنجس است چون میان محل نجس با تابش خورشید حجابی می شود و نمی گذارد خورشید به محل نجس اصابت کند درحالی که شرط مطهریت شمس اصابت و اشراق بود و این عین نجس مانع اشراق و اصابت هست

اما موثقه عمار که امام علیه السلام فرمودند : اذا کان الموضع قذرا من البول أو غیر ذلک از نظر ما این بیان امام علیه السلام اطلاق ندارد یعنی نمی خواهند بفرمایند خورشید مطهر زمین هست حتی اگر عین بول و قاذروات موجود باشد بخاطر دو جهت :

جهت اول : ارتکاز عرفی است همانطوری که درآب از مرتکزات عرفی این است که اب به شرط زوال عین نجاست مطهراست و در اینجا هم خورشید بدل آب است و قائم مقام شستن است هم در اراضی و هم در ابنیه ارتکاز عرفی بر زوال عین نجس است و‌منظور امام همین ارتکاز عرفی است

جهت دوم :غالبا وجود عین نجاست مانع تابش خورشید است چون عین نجاست یا دارای اجزای صغیره اند و یا دارای اجزای کبیره مثل غائط است که جلوی اشراق خورشید را می گیرد لذا تطهیر تحقق پیدا نمی کند پس از اول بیان امام علیه السلام مطلق نیست و منظو امام از بول و .... وجود اینها نیست بلکه اشاره به آن محل دارد که آن محل با تابش خورشید و زوال عین نجاست پاک می شود

مرحوم اقای خویی در تنقیح ج ۳ ص۱۶۳ اطلاق را پذیرفت ولی ارتکاز عرفی را مقید اطلاق گرفت و از بیان ما روشن شد که آن حدیث از اول به لسان تقیید بوده نه اطلاق و از باب ضَیّق فم الرکیّه که از اول دهنه چاه را تنگ بگیر می باشد

مساله ششم : درباره دو فرد از شک است :

فرد اول : در تحقق یکی از شرایط گذشته که در مطهریت خورشید گفته شد شک کند مثلا شک کند هنگام تابش خورشید محل مرطوب بوده یا خشک بوده و یا شک کند زوال عین شده است یا نه ؟ به لحاظ اینکه شک در تحقق شرط است و استصحاب عدم تحقق شرط جاری است پس این محل نجس پاک نشده است

فرد دوم : در زمان اشراق خورشید و بعد از آن شک در حدوث مانع دارد که آنوقتی که خورشید می تابد آیا یک مانعی روی آن نجس بوده یا نه ؟

مرحوم سید این صورت را اشکال کردند که نمی توان حمل بر عدم وجود مانع کرد اتفاقا در فصل ششم از مسائل مطهریت زمین مطرح کردند که قدم زدن روی زمین باعث پاک شدن می شود حال اگر شک کنم موقع قدم زدن فرش یا چیز دیگری بود فرمودند حکم مطهریت مشکل است ،

اما وجه اشکال : در اینجا عند الشک فی حدوث مانع نمی توان استصحاب عدم حدوث مانع جاری کرد چون این استصحاب اثر شرعی ندارد بلکه اثر عادی و عرفی دارد که اثر عادی عدم حدوث مانع این است که خورشید بر این مکان تابیده و اثر تابش خورشید به این مکان این است که این مکان پاک شده است پس بین مستصحب (که عدم مانع و حکم شرعی پاک شدن محل نجس ) واسطه عادی ( اثبات تابش خورشید بر محل نجس ) آمده است و این استصحاب اصل مثبت است و اصل مثبت حجت نیست لذا حق با سید است